

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

تقی آزادارمکی^{۱*} امیر ملکی^۲

^۱ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت ۸۴/۱۰/۱۰، تاریخ تصویب ۸۵/۱۱/۲۴)

چکیده: در تحلیل رابطه بین سنت و مدرنیته با محوریت ارزش‌های سنتی و مدرن، برخی اندیشمندان بر این باورند که در فرآیند تحقق مدرنیته بعضی از عناصر سنتی ساختار فرهنگی جامعه در هم شکسته می‌شوند. با توجه به اینکه جامعه ما آهنگ توسعه و تحول را با سرعتی زیاد در پیش گرفته است، پاسخ به این سؤال ضروری به نظر می‌رسد که در حال حاضر وضعیت عناصر سنتی نظام فرهنگی در جامعه ایران چگونه است؟ پژوهش حاضر با اتخاذ رهیافت تطبیقی و بکارگیری داده‌های حاصل از موج چهارم پروژه بررسی ارزش‌های جهانی، علاوه بر مطالعه خانواده‌گرایی و دینداری به عنوان عناصر سنتی نظام فرهنگی جامعه ایران (در سطح خرد) همچنین به مقایسه آن با سه دسته از کشورهای جهان (بر مبنای سطح توسعه انسانی آنها) پرداخته است (سطح کلان). نتایج تحقیق حاکی از این است که: ۱- در ایران سالخوردگان، کم‌سودان و فقیران بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به آموزه‌های سنتی خانواده پایبندند و تجانس بیشتری در این خصوص دارند. ۲- از بین متغیرهای مستقل تحقیق فقط تحصیلات دارای قدرت پیش‌بینی میزان دینداری افراد در ایران است. ۳- در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران، ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده است. ۴- در سطح کلان، بین تجانس فرهنگی در حوزه عناصر سنتی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معکوس وجود دارد، یعنی در فرآیند مدرنیته، تجانس فرهنگی جای خود را به تشتت آراء در حوزه عناصر سنتی فرهنگ می‌دهد.

واژگان کلیدی: مدرنیته، سنت، ارزش‌های سنتی، ارزش‌های جدید، خانواده‌گرایی، دینداری، توسعه انسانی.

مقدمه

به موازات موج وسیع صنعتی شدن و رشد مظاهر زندگی مدرن، جوامع سنتی دستخوش تغییرات و تحولات عمده در عرصه عناصر پایه‌ای فرهنگ می‌گردند. شروع تغییرات و تحولات فرهنگی در طی دهه‌های اخیر اذهان بسیاری از متفکرین و مسئولین متوجه این سوال کرده است که "وضعیت عناصر سنتی نظام فرهنگی جامعه ایرانی در حال حاضر چگونه است؟" علت طرح این سؤال وقوع تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی است که پیامدهای فرهنگی شگرفی را به دنبال داشته است. متفکران عرصه اجتماعی بر این باورند که تغییرات نظام اجتماعی و دگرگونی‌های ارزشی، مانند حرکت سایه و آفتاب، در صورت دقت و تمرکز در یک زمان محدود، اصلاً محسوس نیستند. اما با گذشت زمانی نه چندان طولانی، مردم و مسئولین جامعه متوجه می‌شوند که کجا بوده‌اند و اکنون کجا هستند (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۲۳۳). جامعه ما علاوه بر انقلاب، ۸ سال درگیری در جنگ تحمیلی را تجربه کرده است که انسجام برانگیز و تثبیت‌کننده ارزش‌های انقلابی بود. به دنبال آن جامعه ما ۸ سال دوران بازسازی و ۸ سال دوره باز سیاسی را تجربه کرد (آزادارمکی، تقی و همکار، ۱۳۸۳). در طول این دوران، تحریم اقتصادی از خارج و تورم و بیکاری در داخل به عنوان مشکلات اصلی عرصه اقتصادی، دیگر خرده نظام‌های جامعه را شدیداً تحت تأثیر قرار داده‌اند.

در طول این دوران، تمام شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی توسعه، با کمی فراز و نشیب، (به جز در طول جنگ تحمیلی) روند صعودی داشته‌اند: رشد شهرنشینی، افزایش تحصیلات، رشد بخش صنعت، افزایش امید زندگی، کاهش رشد جمعیت، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی و رشد شاخص توسعه انسانی از ۰/۵۶۶ در سال ۱۹۷۵ به ۰/۷۳۲ در سال ۲۰۰۲ (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲، ۲۰۰۱، ۲۰۰۰). این‌ها همگی از جمله شاخص‌های نوسازی هستند که ایران در طول چند دهه گذشته تجربه کرده است. اگرچه بهبود شاخص‌های مذکور نشان از افزایش سطح توسعه انسانی و اقتصادی جامعه ایرانی دارد اما نکته و مسأله نگران‌کننده عبارتست از پیامدهای فرهنگی ارزشی که به دنبال فرایند نوسازی در جامعه ما به وقوع پیوسته است. رابطه بین تغییرات ساختاری و تغییرات ارزشی از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر متفکرین اجتماعی معتقدند که وجود تغییر در یکی از عناصر جامعه، لزوماً تغییر در دیگر عناصر را به دنبال خواهد داشت.

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

نوشتار حاضر با علم به اهمیت موضوع، به بررسی تجربی رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در ایران در هر دو سطح خرد و کلان پرداخته است که در این راستا خانواده‌گرایی و دینداری به عنوان شاخص‌های ارزش‌های سنتی نظام فرهنگی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. بدین منظور، از نظریه نوسازی که توانایی تبیین موضوع را در هر دو سطح خرد و بین - ملتی^۱ دارد، استفاده شده است. لذا علاوه بر بررسی موضوع در سطح خرد همچنین به مقایسه ایران با دیگر جوامع نیز پرداخته شده است. بدین منظور از داده‌های موجود و از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است که منبع اصلی آن در محاسبه شاخص توسعه انسانی (HDI)، اطلاعات برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) و در شاخص‌سازی ارزش سنتی خانواده و ارزش‌های دینی داده‌های پروژه بین‌المللی بررسی ارزش‌های جهانی (WVS) بوده است.

چارچوب نظری

تحقیقات و نظریات مربوط به تأثیر ارزش‌های مدرن بر سنت را می‌توان در قالب سه دیدگاه کلی دسته‌بندی کرد:

۱- دیدگاه مکانیکی مبتنی بر همگرایی؛ در قالب رویکرد مکانیکی، واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی از وضعیت یکسانی برخوردارند و جوامع در مسیری خطی، تطور و تکامل خود را طی می‌کنند. در چنین وضعیتی، تجدد برابر با غربی شدن و آمریکایی شدن جوامع می‌شود و الگو و شکل واحدی پیدا می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۸۶). این رویکرد، بر همگرایی فرهنگی در نتیجه توسعه تأکید می‌ورزد و چنین پیش‌بینی می‌کند که ارزش‌های سنتی تنزل پیدا می‌کنند و به جای آن‌ها ارزش‌های مدرن جایگزین می‌شوند (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۲۰). بر اساس این نظریه، جوامع گوناگون آرام آرام با یکدیگر تشابه می‌یابند و روند این تشابه رو به گسترش نهاده است. بعضی نیز عامل این همگرایی را گسترش روز افزون علوم و فنون در این کشورها می‌دانند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۳). معتقدان به این نظریه اظهار می‌دارند که جامعه غیرصنعتی با گذشت فاصله‌های کم و بیش زمانی، سرانجام به طور همگرا به صورت جامعه‌های صنعتی مشابه متحول خواهند شد (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۱۹).

1. Cross- national

۲- دیدگاه تفریدی مبتنی بر واگرایی؛ در این دیدگاه واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، واقعیت‌های منحصر به فردی تلقی می‌شوند ... پس هر کدام از جوامع مسیر خاص خود را می‌روند (غفاری و ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۴: ۲۲۰). این نظریه بر دوام و ماندگاری ارزش‌های سنتی به رغم وقوع تغییرات سیاسی اقتصادی تأکید می‌کند. پیش فرض این مکتب آن است که ارزش‌ها به طور نسبی از شرایط اقتصادی مستقل هستند (دیماجیو، ۱۹۹۴). از این رو، پیش‌بینی می‌شود که همگرایی حول مجموعه‌ای از ارزش‌های مدرن غیرمتحمل است و ارزش‌های سنتی نفوذ مستقلی بر تغییرات فرهنگی ناشی از توسعه اقتصادی خواهند داشت (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۲۰). چنین تحلیل‌هایی غالباً بر اساس توجه و تأکید بر خصلت ایجاد تمایز اجتماعی و پویایی برون مرزی صنعت شکل می‌گیرد. چرا که صنعت، اصولاً با دامن زدن به تشدید نابرابری‌های اجتماعی در درون جوامع و در صحنه بین‌المللی، در میان جامعه‌ها، موجب می‌شود که تمایزات اجتماعی بیشتر و بیشتر گردد (علیزاده اقدم، ۱۳۸۰: ۲۲).

۳- دیدگاه تعاملی دیالکتیکی: بر اساس این دیدگاه پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های متصلب و خشک و لایتغیری نیستند. پدیده‌های اجتماعی ترکیبی از ذهنیت و معنا و غایت هستند و هیچ‌گاه به نهایت و اتمام نمی‌رسند، پدیده‌های ناتمامی هستند که همواره در حال تغییر و شدن هستند، به خصوص این که پدیده‌های اجتماعی در یکدیگر تأثیر می‌گذارند و یکدیگر را مشروط و محدود می‌کنند. پس پدیده‌های اجتماعی در حال ترکیب هستند (بشیریه، ۱۳۷۳: ۴). بر مبنای این رویکرد، گذشته، حال و آینده با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و نمی‌توانیم به تفکیک آن‌ها اکتفا نماییم. پس زمان حال نمی‌تواند بی‌تأثیر از گذشته باشد و از ترکیب حال و گذشته، آیند ساخته می‌شود. بدین لحاظ است که می‌توان از مفهوم "مدرنیته ایرانی" که معطوف به حضور ارزش‌های جهانی، منطقه‌ای، ملی، و سنتی به طور هم زمان متعامل با هم است، سخن گفت (آزادارمکی، ۱۳۸۰).

در امریکا بعد از جنگ نوعی از نظریه نوسازی ظهور کرد که توسعه نیافتگی را به عنوان نتیجه مستقیم ویژگی‌های درونی یک کشور در نظر می‌گرفت. ویژگی‌هایی چون اقتصادهای سنتی، ویژگی‌های فرهنگی و روانی سنتی و نهادهای سنتی (وینر، ۱۹۶۶ و لرنر، ۱۹۵۸). از این دیدگاه، ارزش‌های سنتی نه تنها تغییرپذیر بودند بلکه می‌توانستند - و بایستی جایشان را به

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

ارزش‌های تازه‌ای بدهند که این جوامع را قادر سازد که مسیر (تقریباً حتمی‌الوقوع) توسعه را دنبال کنند. این نظریه مورد نقد قرار گرفت چرا که چنین فرض می‌کرد که جوامع توسعه نیافته برای تبدیل شدن به جوامع توسعه یافته می‌بایست ارزش‌های جدید را بپذیرند (بردشو و والاس، ۱۹۹۶).

مطالعات نوسازی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ تأثیرات عمده‌ای بر علوم اجتماعی به جا نهاد. با انتقاد شدیدی که بر این نظریه وارد آمد، از دهه ۱۹۷۰ این مفهوم تا حد زیادی از اعتبار افتاد. اینگلهارت (۱۹۹۷، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴) کوشیده است ضمن ارائه شواهد تجربی جدید، نگرشی نو درباره طرز کار نوسازی ارایه دهد. ادعای اصلی و محوری نظریه نوسازی که در ایران از آن به عنوان مدرنیته ایرانی یاد می‌شود، این است که صنعتی شدن با فرایندهای خاصی از دگرگونی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مرتبط است که در سطحی گسترده اعمال می‌شود: اگرچه جوامع پیش صنعتی بسیار گوناگونند اما می‌توان از الگوی جامعه «مدرن» و «صنعتی» به صورتی معنادار سخن گفت، الگویی که اگر جوامع خودشان را در مسیر صنعتی شدن قرار دهند، تمایل به حرکت به سوی این الگو دارند. توسعه اقتصادی با مجموعه نشانه‌هایی از دگرگونی مرتبط است که نه فقط صنعتی شدن، بلکه شهرنشینی، آموزش و پرورش همگانی، تخصصی شدن مشاغل، گسترش دیوان‌سالاری و توسعه ارتباطات را در بر می‌گیرد، این پدیده‌ها به نوبه خود با دگرگونی‌های گسترده‌تر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیوند دارند. یکی از دلایل این امر که چرا نظریه نوسازی تا بدین حد با اقبال روبه‌رو شد، قدرت پیش‌بینی آن بود: این نظریه تلویحاً بیان می‌دارد که وقتی جامعه‌ای در مسیر صنعتی شدن قرار گیرد، انواع خاصی از دگرگونی‌های ارزشی - فرهنگی محتمل می‌شوند، دگرگونی‌هایی مانند کاهش میزان مولید، افزایش میزان امید به زندگی، افزایش مشارکت سیاسی توده‌ای، تضعیف ارزش‌های مذهبی و کم اهمیت شدن ارزش‌های سنتی (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴: ۳).

ارزش‌های مدرن و عناصر نظام فرهنگی

تقریباً تمام اندیشمندان کلاسیک و معاصر اجتماعی تقسیم‌بندی از جوامع و نوع نظام فرهنگی آن‌ها ارائه کرده‌اند. شاید بتوان مبنای تقسیم‌بندی جوامع را از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان وقوع یا عدم وقوع مدرنیته دانست، که در اروپا با عنوان انقلاب صنعتی و در بقیه

کشورها با عناوینی همچون توسعه، پیشرفت و صنعتی شدن از آن یاد می‌شود. آنچه که تقریباً در تمام نظریه‌های کلاسیک و معاصر نوسازی مشترک می‌باشد این ادعاست که گذر از جامعه ما قبل صنعتی به صنعتی، منجر به تغییرات اساسی در تجارب روزمره و جهان‌بینی حاکم می‌شود (بل، ۱۹۷۳؛ اینگلهارت، ۱۹۹۷؛ اسپایر، ۱۹۹۶؛ اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۳۱).

دانیل بل (۱۹۷۶: ۱۴۷) معتقد است که زندگی پیش صنعتی "بازی بر علیه طبیعت" بود و برداشت فرد از جهان به تغییر و تحول عناصر جهان (یعنی فصول، طوفان‌ها، باروری خاک، مقدار آب، عمق منابع معدنی، و خشکسالی و سیل‌ها) وابسته و مشروط بود. فرایند صنعتی شدن وابستگی کمتر به طبیعتی را به همراه دارد که به عنوان نیروهای مرموز، ناپایدار و غیرقابل کنترل یا ارواح شبه انسانی در نظر گرفته می‌شدند. اینک زندگی به "بازی بر علیه طبیعت ساخته شده" تبدیل شده است (همان: ۱۴۷).

اینگلهارت بر اساس وقوع یا عدم وقوع دو فرآیند اجتماعی مهم که در طول تاریخ در برخی از جوامع انسانی به وقوع پیوسته است، جوامع را دسته‌بندی می‌کند. این دو فرایند عبارتند از نوسازی و فرانسازی. بر این اساس، او جوامع را به سه دسته سنتی، مدرن و فرامدرن تقسیم‌بندی می‌کند. او هر یک از جوامع را متناظر بر یک نوع نظام اقتصادی خاص می‌داند که متناسب با شرایط آن نظام رشد و نمو کرده است: جامعه سنتی یا همان جامعه پیش صنعتی نوعی نظام کشاورزی با اقتصاد پایدار دولتی است. هدف اصلی جامعه سنتی در سطح کلان اجتماع، ادامه زندگی و بقا تحت شرایط نظام اقتصاد دولتی با ثبات است که در آن تحرک اجتماعی یک بازی حاصل جمع صفر است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۷۶). در جوامع ماقبل صنعتی، نظم اخلاقی معمولاً شکل مذهب می‌گیرد (همان: ۵۴). در جوامع سنتی، این هنجارها کارکردی‌های حیاتی دارند. برای اینکه اطاعت و پیروی از این هنجارها، حتی در مواجهه با وسوسه‌های شدید نافرمانی، به اندازه کافی الزام‌آور و اجباری باشد، این هنجارها بسان ارزش‌های مطلق و معمولاً همچون قوانین الهی تلقین می‌شوند. در جوامع کشاورزی که نسبتاً غیرمتغیر هستند، این هنجارها عملی و قابل اجرا می‌باشند، اما برای تطبیق با یک محیط بسیار

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

متغیر، ارزش‌های مطلق ذاتاً خشک و سخت می‌باشند.

متفکران مکتب نوسازی معتقدند که برای تحقق نوسازی حداقل لازم بود که بعضی از مؤلفه‌های نظام ارزشی سنتی در هم شکسته شود. این واقعیت گواهی است بر این که چرا اصلاحات پروتستانی در نوسازی اروپایی غربی آنقدر مهم بود و این که چرا در جاهای دیگر وجود چالش‌های مشابهی با ارزش‌های سنتی ضروری بوده است (همان: ۵۴). تحقیقات انجام شده در این حوزه حاکی از آنست جوامعی که تأکید نسبتاً شدیدی بر مذهب می‌کنند، همچنین خانواده‌های بزرگ را ترجیح می‌دهند (همان: ۸۵). هنجارهای سنتی نقش جنسی، از آسیای شرقی تا دنیای اسلام و جامعه غربی، زنان را از اشتغال در بیرون از خانه منع می‌کنند. در واقع، تمام جوامع ما قبل صنعتی بر "تولد و پرورش کودک" به عنوان هدف اصلی هر زن، مهمترین کارکرد او در زندگی و بزرگترین منبع رضایت او، تأکید می‌کردند (همان: ۴۱). «خانه‌نشینی زنان» و منع شدید روابط جنسی آزاد و غیرمتعارف از معیارهای رایج در همه جوامع سنتی غربی و غیرغربی‌اند (همان: ۲۵). به طور کلی، او جامعه سنتی را جزو جوامع دچار کمپابی می‌داند (همان: ۷۸)، و معتقد است که تحت شرایط ناامنی در این جوامع، مردم جهان‌بینی را اتخاذ می‌کنند که در برگزیده نقش‌های جنسیتی سنتی و هنجارهای مذهبی سنتی است (همان: ۴۷).

فرآیند مدرنیته، جهان سنتی را که در آن زندگی معنایی روشن دارد، متلاشی می‌کند. پیوندهای جمعی و مشترک گرم و شخصی جایشان را به روابط غیرشخصی و رقابتی در جامعه‌ای می‌دهند که مبتنی بر توفیق شخصی است (همان: ۲۳). همان‌طوری که وبر می‌گوید، مشخصه انتقال از جامعه پیش صنعتی به جامعه صنعتی، عقلانی شدن فراگیر تمام حوزه‌های جامعه است که تغییر از "ارزش‌های سنتی و عموماً مذهبی" به سمت "ارزش‌های عقلانی" را در زندگی اقتصادی سیاسی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت (همان: ۵). مؤلفه‌های کلیدی نوسازی از (دیدگاه وبر) عبارت بودند از غیردینی شدن (دنیوی شدن) و دیوان‌سالاری. بن‌مایه نوسازی فرهنگی، گذار از اقتدار سنتی (و عموماً مذهبی) به سمت اقتدار عقلانی - قانونی بود. همراه با این تغییر، اعتبار و کارکردهای اقتصادی اجتماعی نهادهای اصلی سنتی (خانواده و کلیسا) (همان: ۷۴-۷۳) و ضرورت و اهمیت نقش خانواده نسبت به روزگاران گذشته کمتر شده است. اگر زمانی خانواده واحد اصلی اقتصاد بود، اما در جوامع پیشرفته

صنعتی، زندگی شغلی فرد به طور حیرت‌آوری در بیرون خانه اتفاق می‌افتد. همچنین امروزه آموزش و پرورش اساساً بیرون از خانه صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، مسؤلیت زندگی و بقاء شهروندان را دولت رفاہ تقبل کرده است. در گذشته، زندگی و مرگ فرزندان وابسته به این بود که آیا والدین‌شان آن‌ها را تأمین می‌کنند یا خیر و بقاء والدین در زمان پیری وابسته به فرزندان‌شان بود. امروزه اگرچه خانواده هنوز مهم است، اما دیگر به منزله رابطه بین مرگ و زندگی نیست. تا حد زیادی نقش خانواده توسط دولت رفاہ ایفا می‌گردد. نسل جدید می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد حتی اگر خانواده تجزیه و منحل شود - و یا حتی هیچ یک از والدین در کنار هم نباشند. تحت شرایط معاصر، خانواده تک‌والدی و سالخوردگان بدون فرزند، امکانات بسیار بهتری برای ادامه زندگی و بقاء نسبت به گذشته در اختیار دارند.

دلایل تضعیف هنجارهای حامی "خانواده دو‌والدی متشکل از دو جنس مخالف" متعدّدند؛ از ظهور دولت رفاہ گرفته تا کاهش شدید نرخ مرگ و میر اطفال. بدین معنی که زوجه دیگر نیازی به داشتن ۴ یا ۵ بچه به منظور بازتولید جمعیت ندارند. قواعد قدیمی مورد آزمون و آزمایش قرار گرفته‌اند و به تدریج اشکال جدیدی از رفتار ظهور یافته‌اند که با هنجارهای سنتی متفاوتند. به احتمال زیاد جوانان بیشتر از سالخوردگان و گروه‌های نسبتاً ایمن بیشتر از گروه‌های بی‌ثبات و متزلزل، این اشکال جدید رفتار را می‌پذیرند.

مدل تحلیلی

در بررسی تأثیر مدرنیته بر سنت، تحلیل بیشتر نظریات نوسازی مبتنی بر رویکرد مکانیکی است. در این نظریه‌ها، متغیرهای سن (نسل)، تحصیلات و درآمد به عنوان متغیرهای مستقل سطح خرد و متغیر سطح توسعه انسانی جوامع به عنوان متغیر مستقل سطح کلان مد نظر قرار گرفته‌اند. در این مقاله سعی بر آنست که با مطالعه تأثیر متغیرهای مذکور بر عناصر سنتی فرهنگ به بررسی چالش بین سنت و مدرنیته در هر دو سطح خرد و کلان پرداخته شود.

در سطح خرد، انتظار می‌رود که جوان‌ترها، دانشگاهیان و ثروتمندان کمتر از سالخوردگان، افراد تحصیل‌نکرده و اقشار فقیر به آموزه‌های سنتی، در حوزه روابط خانوادگی و دینی، توجه کنند. بر مبنای این نظام مفهومی می‌توان فرضیات زیر را در خصوص رابطه بین سن، تحصیلات و درآمد با خانواده‌گرایی و دینداری طرح کرد:

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

۱. به نظر می‌رسد که بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، درآمد) با خانواده‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد که بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، و درآمد) با دینداری رابطه معکوس وجود دارد.
- همچنین با توجه به این نظریه می‌توان دو فرضیه زیر را در سطح بین فرهنگی و در مقایسه با دیگر کشورها طرح کرد:
۳. به نظر می‌رسد مقدار شاخص خانواده‌گرایی در ایران به میانگین گروه کشورهای با سطح توسعه متوسط نزدیکتر است (بدین صورت که از میانگین گروه کشورهای توسعه یافته بیشتر و از میانگین گروه کشورهای توسعه نیافته کمتر است).
۴. به نظر می‌رسد مقدار ارزش‌های دینی در ایران به میانگین گروه کشورهای با سطح توسعه متوسط نزدیکتر است (بدین صورت که از میانگین گروه کشورهای توسعه یافته بیشتر و از میانگین گروه کشورهای توسعه نیافته کمتر است).

روشن‌شناسی

نوع مطالعه: مقاله حاضر نوعی پژوهش اسنادی است و مبتنی بر استفاده از داده‌های موجود می‌باشد. به بیان دیگر، تحقیق حاضر نوعی تحلیل ثانویه است. این مقاله با اتخاذ رویکرد تطبیقی علاوه بر مطالعه وضعیت مؤلفه‌های سنتی نظام ارزشی جامعه ایران، درصدد مقایسه آن با سه دسته از کشورهای جهان (بر مبنای سطح توسعه انسانی آن‌ها) است.

داده‌ها: تحقیق حاضر مبتنی است بر داده‌های حاصل از پروژه بررسی ارزش‌های اروپاییان (EVS) و موج چهارم پروژه بررسی ارزش‌های جهانی (WVS). گروه بین‌المللی "بررسی ارزش‌های جهانی" از اواسط دهه ۱۹۸۰ فعالیت خود را آغاز کرده است و ماحصل آن فراهم آمدن پایگاه داده‌های بسیار غنی است که امکان مطالعات مقایسه‌ای ملی و فراملی را فراهم کرده است این پروژه در چهار مرحله به اجرا در آمده است که در آخرین مرحله آن (سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ میلادی) اطلاعات خام مربوط به ایران جمع‌آوری شده است.^۱

۱. طرح ارزش‌های جهانی در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی با مسئولیت تقی آزادارمکی در سطح ملی در طول دو سال

متغیرهای تحقیق: در پژوهش حاضر در سطح خرد متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد و در سطح کلان، میزان توسعه کشورها (بر مبنای شاخص توسعه انسانی^۱) به عنوان متغیر مستقل و خانواده‌گرایی و دینداری به عنوان عناصر سنتی نظام فرهنگی و به صورت متغیرهای وابسته مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

۱- سنت: عده‌ای سنت را به معنی حفظ وضع موجود می‌گیرند و برخی آن را با ارزش‌های فرهنگی برابر می‌دانند. در ادبیات علوم اجتماعی سنت را شامل مجموعه‌ای از ذهنیت‌ها و ایده‌هایی دانسته‌اند که بار معنایی ویژه‌ای دارند، منشأ در گذشته دارند، در جامعه عمومیت دارند، بیش از یک نسل را شامل می‌شوند و مبنای عمل و رفتار قرار می‌گیرند (غفاری و ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۴: ۲۱۴). در تحقیق حاضر دینداری و خانواده‌گرایی به عنوان عناصر سنتی نظام فرهنگی جامعه ایران مد نظر قرار گرفته شده است.

دینداری: جهت سنجش دینداری از مقیاس ارزش‌های مذهبی یلماز از میر (۲۰۰۳: ۴۳) استفاده گردید. این مقیاس متشکل از دو قسمت است. قسمت اول میزان اهمیت دین در زندگی شخصی فرد را می‌سنجد که طیف درجه‌بندی شده‌ای است که دامنه تغییرات آن بین صفر "اصلاً مهم نیست" تا سه "خیلی مهم" قرار دارد. قسمت دوم، طیفی است مشتمل از ۷ گویه متفاوت در مورد ابعاد تجربی، رفتاری و اعتقادی دینداری. برای محاسبه ارزش‌های مذهبی فرد نمره قسمت اول (۰ تا ۳) به نمره حاصل از قسمت دوم (۰ تا ۷) اضافه می‌گردد که دامنه تغییرات نمره کل بین صفر تا ده می‌باشد. برای تعیین میزان روایی این مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفا برای این سنجه ۰/۸۳ است که حاکی از سطح بالای روایی آن می‌باشد.

خانواده‌گرایی: به منظور سنجش آموزه‌های سنتی در حوزه خانواده، ازدواج و نقش‌های جنسی، از مقیاس خانواده‌گرایی تورلیف پیترسون (۲۰۰۳: ۲۳۱) استفاده گردید که علاوه بر میزان اهمیت خانواده در زندگی همچنین ارزش‌های سنتی مربوط به رابطه سنتی بین والدین و

۱۳۷۸-۱۳۸۰) به واسطه تقی آزادارمکی استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران انجام شد.

2. Human Development Index (HDI)

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

فرزندان و ارزش‌های سنتی مربوط به کارکردهای سنتی خانواده و ازدواج را مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس متشکل از دو قسمت است؛ قسمت اول میزان اهمیت خانواده در زندگی فرد را می‌سنجد که طیف درجه‌بندی شده‌ای است که دامنه تغییرات آن بین صفر "اصلاً مهم نیست" تا سه "خیلی مهم" است. قسمت دوم طیفی است متشکل از ۷ گویه متفاوت در مورد ارزش‌های سنتی خانواده؛ بر طبق این ارزش‌ها فرزندان همیشه می‌بایست به والدین عشق بورزند، والدین موظفند حداکثر تلاش خود را حتی به قیمت رفاه و سلامتی خویش برای فرزندان بکنند، ازدواج یک نهاد منسوخ شده و قدیمی نیست، کودک برای رشد سعادت‌مندانه به هر دو پدر و مادر نیازمند است، خوشبختی زن در گرو داشتن فرزند است، زن نمی‌تواند بدون داشتن رابطه ثابت با یک مرد خاص صاحب فرزند شود و تأکید زیاد بر زندگی خانوادگی خوب خواهد بود. کسانی که با تمام این گویه‌ها موافقت نمره ۷ می‌گیرند و کسانی که هیچ‌یک از این گویه‌ها را قبول ندارند نمره صفر می‌گیرند. برای محاسبه نمره کل فرد در مقیاس خانواده‌گرایی، نمرات او در قسمت اول و دوم مقیاس با یکدیگر جمع می‌گردد که دامنه تغییرات آن بین صفر تا ۱۰ می‌باشد. مقدار آلفای محاسبه شده این مقیاس ۰/۵ است که حاکی از سطح قابل قبول روایی آن می‌باشد.

۲- مدرنیته (تجدد): عمومی‌ترین معنای تجدد را باید در تغییرات و تحولات اجتماعی گسترده‌ای که جوامع در دوره جدید تجربه نموده‌اند جستجو کرد. به نظر تورن تجدد، نشر پیامدهای فعالیت عقلی، علمی، فنی، و اداری است (تورن، ۱۳۸۰: ۳۰) در مطالعه حاضر سطح توسعه انسانی به عنوان شاخص فرآیند مدرنیته و مدرنیزاسیون جوامع مطالعه شده است.

سطح توسعه انسانی: در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰ سازمان ملل در مورد تعریف توسعه انسانی چنین آمده است: توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد بشر افزایش می‌یابد. شاخص توسعه انسانی (HDI) هر ساله توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) محاسبه می‌شود. این شاخص یک مقیاس صد نقطه‌ای از سطح نوسازی جامعه‌ای ارائه می‌دهد که ترکیبی است از سطح دانش و معرفت (آموزش و سواد آموزی بزرگسالان) سطح بهداشت (امید به زندگی در بدو تولد) و معیارهای زندگی (سرانه تولید ناخالص داخلی) (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴: ۴۸ به نقل از برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲).

تمام کشورهای جهان برحسب دستاوردها و موفقیت‌های آن در توسعه انسانی به سه

دسته تقسیم می‌شوند (سازمان ملل، ۲۰۰۲: ۱۴۵):

- ۱- سطح توسعه بالا (با شاخص توسعه انسانی از ۸۰۰ به بالا)
- ۲- سطح توسعه متوسط (با شاخص توسعه انسانی از ۰/۵۰۰ تا ۰/۷۹۹)
- ۳- سطح توسعه پایین (با شاخص توسعه انسانی کمتر از ۰/۵۰۰)

یافته‌ها و نتایج تحقیق

الف - ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی نمونه آماری

۱) از تعداد ۲۵۳۲ نفر جمعیت نمونه در ایران، تعداد ۱۳۶۱ نفر (۵۳/۸ درصد) مرد و ۱۱۷۱ نفر (۴۲/۲ درصد) زن می‌باشند. در کل پروژه بررسی ارزش‌های جهانی (WVS) تعداد ۱۱۸۵۲۰ نفر از ۸۱ کشور جهان به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند که از این تعداد ۴۸/۸ درصد را مردان و ۵۱/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

۲) از نظر توزیع سنی پاسخگویان در ایران ۵۰/۴ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله، ۳۱/۳ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۹ ساله و ۱۸/۳ درصد در گروه سنی ۵۰ ساله و بیشتر قرار دارند.

۳) از کل افراد مورد بررسی در ایران، ۶/۶ درصد بی‌سواد و مابقی (۹۳/۴ درصد) با سواد هستند. در میان مقاطع تحصیلی مختلف ۱۸ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۷/۹ درصد دارای دیپلم، ۲۶/۱ درصد دارای تحصیلات عالی و ۱۷/۳ درصد هم در مقطع دبیرستان در حال تحصیل بودند.

۴) در این بررسی، از افراد خواسته شده بود که وضع درآمد خانواده خود را بر روی یک طیف ده قسمتی از ۱ (پایین‌ترین گروه درآمدی) تا ۱۰ (بالا‌ترین گروه درآمدی) مشخص کنند. سپس از طریق دستور کدگذاری مجدد، افراد در ۵ دسته گروه‌بندی شدند. توزیع افراد حاکی از آن است که در حدود ۴۰ درصد پاسخگویان ایرانی درآمد خانواده خود را متوسط، ۱۳/۱ درصد زیاد و ۲/۴ درصد خیلی زیاد دانسته‌اند. در این میان ۲۷/۷ درصد آن‌ها وضعیت درآمدی خانواده خود را کم و ۶ درصد دیگر خیلی کم عنوان کرده‌اند.

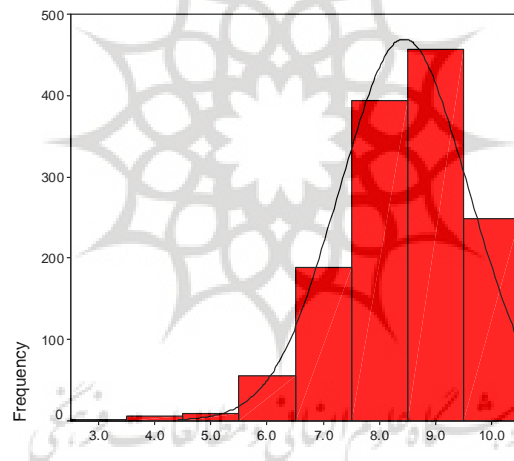
ب - عناصر سنتی نظام فرهنگی

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

در مقاله حاضر دو شاخص خانواده‌گرایی و دینداری به عنوان مؤلفه‌های سنتی نظام فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که در این قسمت به ترتیب عوامل موثر بر آنها در ایران و چگونگی توزیع‌شان در مقایسه با دیگر کشورهای جهان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. خانواده‌گرایی: جدول شماره ۱ آماره‌های مقیاس خانواده‌گرایی را نشان می‌دهد. میانگین و میانه نمونه به ترتیب ۸/۴۴ و ۹ می‌باشد که حاکی از بالا بودن میزان خانواده‌گرایی در ایران و اعتقاد به ارزش‌های سنتی خانواده است.

جدول شماره ۱. آماره‌های مقیاس خانواده‌گرایی در ایران

میانگین	چارک اول	میانه	چارک دوم	نما	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
۸/۴۴	۸	۹	۹	۹	۱/۱۵	-۰/۶۹۴	۰/۶۹۴



نمودار شماره ۱. بافت‌نگار توزیع فراوانی مقیاس خانواده‌گرایی در ایران

نمودار شماره ۱، توزیع فراوانی کل پاسخگویان ایرانی را برحسب مقیاس خانواده‌گرایی نشان می‌دهد. توزیع فراوانی این متغیر نسبت به توزیع نرمال چولگی منفی (-۰/۶۹۴) دارد و میزان کشدگی آن ۰/۶۹۴ است جدول شماره ۲ میانگین نمره پاسخگویان ایرانی برحسب مقیاس خانواده‌گرایی و به تفکیک متغیر سن، تحصیلات و درآمد نشان می‌دهد. با مقایسه

میانگین خانواده‌گرایی در گروه‌های سنی متفاوت در می‌یابیم که سالخوردگان بیشتر از جوانان خانواده‌گرا هستند.

جدول شماره ۲. میانگین نمره مقیاس خانواده‌گرایی به تفکیک متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد

میانگین مقیاس خانواده‌گرایی	متغیرهای مستقل
	(۱) سن:
۸/۲	جوانان
۸/۵	میانسالان
۸/۸	سالخوردگان
	(۲) تحصیلات:
۸/۷۵	پایین
۸/۴۰	متوسط
۸/۱۷	بالا
	(۳) درآمد:
۸/۵۸	پایین
۸/۵۳	متوسط
۸/۲	بالا

به بیان دیگر سالخوردگان بیشتر از جوانان به ارزش‌های سنتی در حوزه روابط خانوادگی و ازدواج پایبند می‌باشند. اگرچه بین سن و خانواده‌گرایی رابطه مستقیم است، اما بین سطح تحصیلات و خانواده‌گرایی رابطه معکوس است. بدین صورت که دانشگاهیان کمتر از گروه‌های تحصیلی پایین به ارزش‌های سنتی خانواده ارجح می‌نهند. به دیگر سخن، با بالا رفتن تحصیلات، ارزش‌های سنتی در حوزه روابط خانوادگی و ازدواج تضعیف می‌شود.

جدول شماره ۳ ضرایب رگرسیونی معمولی (b) و استاندارد شده (Beta) متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد را بر خانواده‌گرایی نشان می‌دهد. از مجموع سه متغیر وارد شده همگی در معادله باقی ماندند.

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

جدول شماره ۳. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل موثر بر میزان خانواده‌گرایی در ایران

متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی b	ضرایب استاندارد شده Beta	Sig
سن	۰/۲۳۱	۰/۱۵۴	۰/۰۰۰
تحصیلات	- ۰/۱۶۹	۰/۱۱۲	۰/۰۰۰
درآمد	-۰/۱۲۵	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰
مقدار ثابت معادله	۸/۶۵۸	-----	۰/۰۰۰

$$R = ۰/۲۵ \quad R \text{ Squared} = ۰/۰۶۴ \quad F = ۲۶/۲۷۵ \quad Sig = ۰/۰۰$$

به بیان دیگر، هر سه متغیر دارای تأثیر معنی‌داری بر میزان خانواده‌گرایی هستند. متغیر سن بیشترین تأثیر را بر خانواده‌گرایی داراست ($Beta=۰/۱۵۴$)، به دنبال آن تحصیلات (۱۱۲) و $Beta=۰/۰۹۴$) و سپس درآمد ($Beta = ۰/۰۹۴$) قرار دارند. می‌توان معادله رگرسیونی زیر را برای پیش‌بینی میزان خانواده‌گرایی پاسخگویان ایرانی بر روی یک مقیاس صفر تا ده تنظیم کرد:

$$\text{(درآمد)} - ۰/۱۲۵ - \text{(تحصیلات)} - ۰/۱۶۹ - \text{(سن)} + ۰/۲۳۱ + ۸/۶۵۸ = \text{خانواده گرایی}$$

این معادله حاکی از آن است که به فرض ثابت فرض کردن اثر بقیه متغیرها، نمره خانواده‌گرایی افراد در ایران روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰، ۸/۶۵۸ است. یعنی ایرانیان در حوزه روابط خانوادگی، سنتی و یا بسیار سنتی هستند. دیگر اینکه در ازای یک واحد تغییر در گروه سنی افراد، به مقدار ۰/۲۳۱ در ارزش‌های سنتی خانواده افزایش حاصل می‌شود. ضرایب رگرسیونی تحصیلات و درآمد منفی است. این بدان معنی است که یک واحد تغییر در سطح تحصیلات و درآمد، به ترتیب، به مقدار ۰/۱۶۹ و ۰/۱۲۵ در نمره خانواده‌گرایی فرد کاهش حاصل می‌شود.

با مقایسه میزان خانواده‌گرایی در ایران با دیگر کشورهای جهان می‌توان درک بهتری از پابندی وضعیت این مؤلفه ارزشی در ایران به دست آورد. جدول شماره ۴ به مقایسه میانگین شاخص خانواده‌گرایی در کشورهای جهان بر حسب نوع جوامع (بر مبنای سطح توسعه آنها) و فاصله فرهنگی هر گروه با ایران پرداخته است. آنچه که در نگاه اول به ذهن متبادر می‌شود آن است که میزان پابندی جوامع به ارزش‌های سنتی در حوزه روابط خانوادگی و ازدواج با سطح توسعه انسانی آنها رابطه عکس دارد.

جدول شماره ۴. میانگین نمره مقیاس خانواده‌گرایی بر حسب سطح توسعه انسانی جوامع

میانگین مقیاس خانواده‌گرایی	تقسیم‌بندی کشورها بر مبنای سطح توسعه انسانی
۷/۷۲۹	توسعه بالا
۸/۶۵۲	توسعه متوسط
۸/۸۸۹	توسعه پایین
۸/۴۴۲	ایران
۸/۲۸	کل جهان

به بیان دیگر در جریان فرآیند نوسازی ارزش‌های سنتی خانواده کم‌رنگ‌تر می‌شوند. میانگین مقیاس خانواده‌گرایی در ایران (۸/۴۴) از میانگین هر دو گروه کشورهای با سطح توسعه پایین (۸/۸۸۹) و متوسط (۸/۶۵۲) کمتر است. شاید دلیل این امر آهنگ بالای نوسازی در ایران باشد. ایران کمترین فاصله را با گروه کشورهای با سطح توسعه متوسط و بیشترین فاصله را با کشورهای توسعه یافته دارد.

جدول شماره ۵ میانگین نمره مقیاس خانواده‌گرایی را در کشورهای جهان نشان می‌دهد. در فرایند چالش سنت و مدرنیته، در خصوص ارزش‌های سنتی خانواده، ما در مقایسه با اکثر قریب به اتفاق کشورهای مسلمان، نوگراتر بوده‌ایم. کشورهای مسلمانی همچون پاکستان، مصر، مراکش، اردن، نیجریه، اندونزی، الجزایر، ترکیه، آلبانی و بوسنی هرزگوین نسبت به ما خانواده‌گراترند و نگرش سنتی‌تری را در خصوص روابط والدین با فرزندان و کارکردهای خانواده و ازدواج اتخاذ نموده‌اند. مردم ارمنستان، اوگاندا، بنگلادش و مقدونیه، نگرش تقریباً نزدیکی به ما در خصوص ارزش‌های خانوادگی دارند. کمترین مقدار خانواده‌گرایی مربوط به کشورهای هلند، سوئد و فنلاند است که بیشترین فاصله فرهنگی را از این لحاظ با کشور ما دارند. خانواده‌گراترین کشورهای دنیا، جوامع اسلامی هستند که در این میان پاکستان، مصر و مراکش به ترتیب با ۹/۶۸، ۹/۶۳ و ۹/۵ بالاترین میانگین خانواده‌گرایی را کسب کرده‌اند.

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

جدول شماره ۵. میانگین نمره مقیاس خانواده‌گرایی در کشورهای جهان

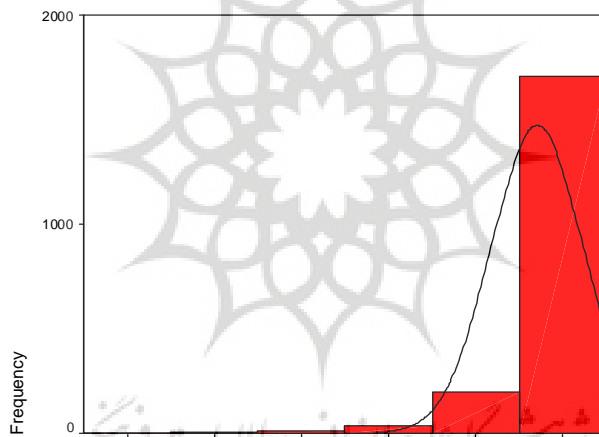
کشور	خانواده‌گرایی	کشور	خانواده‌گرایی
پاکستان	۹/۶۸۱	مکزیک	۸/۱۳۳
مصر	۹/۶۳۱	یونان	۸/۱۲۴
مراکش	۹/۵۰۱	لبنان	۸/۱۱۴
اردن	۹/۴۸۹	ایتالیا	۸/۱۰۸
نیجریه	۹/۴۰۳	دومینیک	۸/۰۹۹
زیمبابوه	۹/۳۲۱	برو	۸/۰۷۷
اندونزی	۹/۲۹۶	برنگال	۸/۰۰۶
فیلیپین	۹/۲۰۹	کلمبیا	۸/۰۲۴
الجزایر	۹/۱۹۱	افریقای جنوبی	۸/۰۰۴
ترکیه	۹/۱۲۷	شیلی	۷/۹۹۶
آلبانی	۹/۱۲۴	جمهوری کرواتیک	۷/۹۶۱
ویتنام	۹/۰۸۴	روسیه	۷/۹۵۵
تائوانیا	۹/۰۶۲	ژاپن	۷/۹۳۸
السالوادور	۸/۸۹۲	اسلواکی	۷/۹۱۱
کره	۸/۸۴۶	اروگوئه	۷/۹
هند	۸/۸۲۵	فرانسه	۷/۸۰۱
مونه‌نگرو	۸/۸۰۱	استونی	۷/۷۵۸
مالت	۸/۷۹۸	اسپانیا	۲/۷۲
یوسی‌هرزگوین	۸/۶۹	بلاروس	۷/۶۹۴
سنگاپور	۸/۶۰۵	ارمنستان	۷/۶۶۵
تایوان	۸/۵۷۱	چک	۷/۶۴۶
ارمنستان	۸/۵۴۴	کانادا	۷/۵۸۴
اوگاندا	۸/۴۴۹	استرالیا	۷/۵۸
ایران	۸/۴۴۲	نروژ	۷/۵۴۱
بنگلادش	۸/۴۲۲	نیوزلند	۷/۴۸۹
مقدونیه	۸/۴۱۷	ایرلند شمالی	۷/۴۸۸
مجارستان	۸/۳۷۷	آلمان	۷/۴۸۳
گورجستان	۸/۳۱۵	اتریش	۷/۴۶۸
ونزوئلا	۸/۳۱۱	اسلونی	۷/۴۶۶
عربستان	۸/۳۰۵	سوئیس	۷/۴۶
آذربایجان	۸/۲۸۸	بلژیک	۷/۴۰۳
لهستان	۸/۲۶۳	لیتوانی	۷/۳۵۹
مولداوی	۸/۲۵۳	ایرلند	۷/۳۰۵
چین	۸/۲۵۲	لوکزامبرگ	۷/۳۰۵
اوکراین	۸/۲۳۲	انگلستان	۷/۲۶۶
برزیل	۸/۲۰۶	ایسلند	۷/۲۵۱
بلغارستان	۸/۱۸۲	فنلاند	۶/۹۱۹
پورتوریکو	۸/۱۶۷	سوئد	۶/۸۷۵
ارمنستان	۸/۱۴۹	هلند	۶/۰۹۵

دینداری: دومین عنصر سنتی نظام فرهنگی در تحقیق حاضر، میزان پایبندی به ارزش‌های دینی است. جدول شماره ۶ آماره‌های مقیاس دینداری را نشان می‌دهد. میانگین ۹/۴ است که با توجه به مقادیر میانه (۱۰) و نما (۱۰) حاکی از بالا بودن میزان دینداری و پایبندی به ارزش‌های دینی است.

جدول شماره ۶. آماره‌های مقیاس دینداری

میانگین	چارک اول	میانه	چارک دوم	نما	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
۹/۴	۹	۱۰	۹	۱۰	۱/۰۵	-۳/۰۹۷	۱۴/۴۶۶

با نگاهی اجمالی به نمودار شماره ۲ که توزیع فراوانی کل پاسخگویان ایرانی را بر حسب مقیاس دینداری نشان می‌دهد، و با توجه به آماره‌های چولگی و کشیدگی درمی‌یابیم که توزیع این متغیر نسبت به توزیع نرمال، چولگی بسیار زیاد منفی دارد و کشیدگی آن نیز بسیار بیشتر از توزیع نرمال است.



نمودار شماره ۲. بافت‌نگار توزیع فراوانی مقیاس دینداری در ایران

میانگین نمره پاسخگویان ایرانی بر روی مقیاس ارزش‌های دینی به تفکیک متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. با مقایسه میانگین ارزش‌های دینی در گروه‌های متفاوت درمی‌یابیم که سالخوردگان، گروه‌های درآمدی پایین و گروه‌های تحصیلی پایین بیشتر از جوانان، ثروتمندان و دانشجویان به ارزش‌های مذهبی اهمیت می‌دهند. البته با توجه به ضرایب رگرسیونی جدول شماره ۸ درمی‌یابیم که فقط تأثیر تحصیلات معنی‌دار است و متغیرهای سن و درآمد تأثیر معنی‌داری بر میزان دینداری افراد ندارند.

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

جدول شماره ۷. میانگین نمره مقیاس دینداری به تفکیک متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	میانگین مقیاس دینداری
(۱) سن: جوانان میانسال سالخوردگان	۹/۳ ۹/۴۴ ۹/۶
(۲) تحصیلات: پایین متوسط بالا	۹/۶ ۹/۴ ۹/۲
(۳) درآمد: پایین متوسط بالا	۹/۴۵ ۹/۴۵ ۹/۳

از مجموع سه متغیر سن، تحصیلات و درآمد که به روش مرحله‌ای (stepwise) وارد معادله شدند، فقط تحصیلات حائز شرایط لازم برای ورود به معادله شد.

جدول شماره ۸. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان دینداری در ایران

متغیرها	ضرایب رگرسیونی b	ضرایب استاندارد شده Beta	Sig
سن	-	-	-
تحصیلات	-۰/۲۰۳	-۰/۱۴۵	۰/۰۰۰
درآمد	-	-	-
مقدار ثابت معادله	۹/۷۷۸	--	۰/۰۰۰

ضریب رگرسیونی تحصیلات بر میزان دینداری $-۰/۲۰۳$ است که حاکی از تأثیر کاهنده افزایش تحصیلات بر اهمیت ارزش‌های دینی است. یعنی با افزایش تحصیلات از اهمیت ارزش‌های دینی کاسته می‌شود. اما افزایش یا کاهش سن و درآمد تأثیر معنی‌داری بر میزان دینداری ندارد. جدول شماره ۹ میانگین شاخص‌های ارزش‌های دینی را در دیگر کشورهای جهان در قالب سه دسته توسعه نیافته، در حال توسعه و توسعه یافته نشان می‌دهد. بالاترین میانگین ارزش‌های دینی (۹/۱۹) متعلق به گروه کشورهای توسعه نیافته (توسعه پایین) است و کمترین میانگین (۵/۴) مربوط به کشورهای توسعه یافته است.

جدول شماره ۹. میانگین نمره مقیاس ارزش‌های دینی برحسب سطح توسعه انسانی جوامع

میانگین مقیاس دینداری	تقسیم‌بندی کشورها بر مبنای سطح توسعه انسانی
۵/۴۲	توسعه بالا
۷/۷۲	توسعه متوسط
۹/۱۹	توسعه پایین
۹/۴	ایران
۶/۹۴	کل جهان

به بیان دیگر، بین سطح توسعه انسانی کشورها و میزان پایبندی آن‌ها به ارزش‌های دینی رابطه معکوس وجود دارد. با توجه به سطح توسعه انسانی کشورمان انتظار می‌رفت که میانگین ارزش‌های دینی ایران نزدیک به میانگین گروه کشورهای با سطح توسعه متوسط (حدوداً ۷/۷۲) باشد. اما چنین نشد حتی از میانگین کشورهای توسعه نیافته (۹/۱۹) نیز بیشتر است. در خصوص ارزش‌های دینی، ایران بیشترین شباهت فرهنگی را با کشورهای توسعه نیافته و بیشترین فاصله را با کشورهای توسعه یافته دارد. در سطح تحلیل بین ملتی، بین تجانس ارزشی در حوزه ارزش‌های مذهبی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معکوس وجود دارد، یعنی در فرآیند نوسازی تجانس ارزشی جای خود را به تشتت آرای ارزشی در حوزه ارزش‌های دینی می‌دهد.

جدول شماره ۱۰، میانگین شاخص ارزش‌های دینی در ۷۶ کشور جهان همراه با شاخص تجانس ارزشی و فاصله از ایران نشان می‌دهد. با توجه به ارقام جدول، بالاترین میزان دینداری متعلق به کشورهای اسلامی است که مصر با میانگین ۹/۸۳ بالاترین رتبه را در این متغیر داراست. پس از مصر به ترتیب اندونزی (۹/۷۵)، اردن (۹/۶۲)، پاکستان (۹/۵۴) و مراکش (۹/۵۳) و سپس ایران با ۹/۴۰ قرار دارد. پس از ایران، نیجریه (۹/۳۵)، تانزانیا (۹/۳) و الجزایر (۹/۲۸) قرار دارند. بر مبنای شاخص ارزش‌های دینی، ایران کمترین فاصله فرهنگی را با نیجریه، تانزانیا و مراکش و بیشترین فاصله فرهنگی را با جمهوری چک، ویتنام، استونی و ژاپن دارد. کشورهای چک، ویتنام و استونی به ترتیب با میانگین ۲/۵۵ و ۳/۵۹ و ۲/۸۶، کمترین میانگین را در مقیاس ارزش‌های مذهبی کسب کرده‌اند. به بیان دیگر، در این کشورها ارزش‌های دینی اهمیت کمتری نسبت به کشورهای دیگر دارد. بالاترین مقدار تجانس ارزشی مربوط به مصر و کمترین مقدار متعلق به جمهوری چک است.

تحلیل ارزش‌های سستی و مدرن در سطوح خرد و کلان

جدول شماره ۱۰. میانگین نمره مقیاس دینداری در کشورهای جهان

میانگین مقیاس دینداری	کشور	میانگین مقیاس دینداری	کشور
۶/۴۶	مقدونیه	۹/۸۳	مصر
۶/۴۲	پرتغال	۹/۷۵	اندونزی
۶/۴	یونان	۹/۶۲	اردن
۶/۳۷	اسلواکی	۹/۵۴	پاکستان
۶/۰۴	آلبانی	۹/۵۳	مراکش
۵/۷۲	ایسلند	۹/۴۱	ایران
۵/۶۷	تایوان	۹/۳۵	نیجریه
۵/۶۱	ارمنستان	۹/۳	تازانیا
۵/۴۳	اوکراین	۹/۲۸	الجزایر
۵/۴۱	استرالیا	۹/۰۶	بنگلادش
۵/۴۱	زلانندو	۸/۹۵	اوگاندا
۵/۳۱	استرالیا	۸/۹۲	فیلیپین
۵/۲۲	فنلاند	۸/۸۵	زیمبابوه
۵/۱۲	اسپانیا	۸/۷۳	ترکیه
۵/۰۵	مونتنگرو	۸/۵۷	السالوادور
۵/۰۳	اروگوئه	۸/۵۱	پورتوریکو
۴/۹	سوئیس	۸/۴۷	مالت
۴/۸۴	عربستان	۸/۲۴	افریقای جنوبی
۴/۷۶	لتونی	۸/۲	مکزیک
۴/۶۷	انگلستان	۸/۰۵	ارمنستان
۴/۶۱	روسیه	۷/۹۹	پرو
۴/۵	بلاروس	۷/۹۳	لهستان
۴/۴۹	لوکزامبرگ	۷/۸۸	جمهوری دو مینیکن
۴/۲۹	بلژیک	۷/۸۸	برزیل
۴/۱۵	بلغارستان	۷/۷۹	رومانی
۴/۱۵	مجارستان	۷/۶۵	هند
۴/۱۱	نروژ	۷/۵۶	جمهوری کروائیک
۴/۰۱	اسلوانی	۷/۴۹	شیلی
۳/۹۷	هلند	۷/۴۴	مولداوی
۳/۹۴	آلمان	۷/۴۲	کلمبیا
۳/۵۸	فرانسه	۷/۱۸	ایرلند
۳/۵	دانمارک	۷/۱۶	آذربایجان
۳/۴۱	سوئد	۷/۱۶	آرژانتین
۳/۳۱	ژاپن	۷/۱۷	گرجستان
۲/۸۶	استونی	۷/۱۲	لیتوانی
۲/۵۹	ویتنام	۷/۱۱	ایرلند شمالی
۲/۵۵	جمهوری چک	۶/۸۴	ایتالیا
		۶/۵۴	بوسنی هرزگوین
		۶/۵	کانادا

نتیجه‌گیری

در حوزه بحث چالش بین سنت و مدرنیته، بیشتر مطالعات پیرامون تاریخ روشنفکری و اندیشه‌نوسازی بوده است و کمتر به ابعاد فرهنگی‌نوسازی پرداخته شده است. مقاله حاضر با علم به اهمیت موضوع، به بررسی تجربی رابطه مدرنیته با سنت در ایران در دو سطح خرد و کلان پرداخته است.

در خصوص نحوه تأثیر نوسازی بر سنت و ارزش‌های سنتی، سه مکتب فکری متفاوت وجود دارد. مکتب اول بر همگرایی ارزش‌ها در نتیجه نوسازی تأکید می‌کند. این مکتب چنین پیش‌بینی می‌کند که ارزش‌های سنتی تنزل پیدا می‌کنند و به جای آن‌ها ارزش‌های مدرن جایگزین می‌شوند (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۲۰). مکتب فکری دیگر بر دوام و ماندگاری ارزش‌های سنتی به رغم وقوع تغییرات سیاسی اقتصادی تأکید می‌کند. پیش فرض این مکتب آن است که ارزش‌ها به طور نسبی از شرایط اقتصادی مستقل هستند (دیماجیو، ۱۹۹۴). متفکرین مکتب سوم با اتخاذ رهیافت تعاملی و حضور همزمان ارزش‌های سنتی و مدرن معتقدند که گذشته، حال و آینده با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و نمی‌توانیم به تفکیک آن‌ها اکتفا نماییم. با توجه به سرعت بالای توسعه در کشور ما، پاسخ به این سؤال ضروری می‌نماید که آیا اهمیت و جایگاه عناصر سنتی نظام فرهنگی تنزل کرده است و یا به رغم وقوع مدرنیته هنوز هم پا بر جا باقی مانده‌اند. در مقاله حاضر با استفاده از نظریه نوسازی، و تأکید بر مکتب فکری سوم دو مؤلفه سنتی خانواده‌گرایی و دینداری به عنوان میراث فرهنگی دوره پیش صنعتی در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان مورد مطالعه قرار گرفته است تا نوع رابطه بین آن‌ها به دست آید.

نتایج حاصله حاکی از آن است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ده، میانگین شاخص خانواده‌گرایی در ایران ۸/۴۴ می‌باشد، یعنی در حد بالایی است. رابطه بین سن و خانواده‌گرایی مستقیم و رابطه بین درآمد و تحصیلات با خانواده‌گرایی معکوس است. در ایران سالخوردگان، کم‌سوادان و فقیران بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به ارزش‌های سنتی خانواده پایبند هستند و تجانس ارزشی بیشتری در این خصوص دارند (تأیید فرضیه‌های اول، سوم و پنجم). در چشم‌انداز بین - ملتی، با توجه به مقیاس خانواده‌گرایی، ایران کمترین فاصله فرهنگی را با گروه کشورهای با توسعه متوسط و بیشترین فاصله را با کشورهای توسعه یافته دارد (تأیید

تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان

فرضیه هفتم). ما در مقایسه با اکثر قریب به اتفاق کشورهای اسلامی نسبت به ارزش‌های خانوادگی نوگراتر هستیم.

در خصوص ارزش‌های مذهبی، بر مبنای یک مقیاس صفر تا ده، میانگین پاسخگویان ایرانی ۹/۴۴ بوده است که حاکی از بالا بودن اهمیت این ارزش‌ها می‌باشد. از بین متغیرهای مستقل تحقیق، فقط تحصیلات دارای قدرت پیش‌بینی میزان دینداری افراد می‌باشد در حالی که متغیرهای سن و درآمد دارای توان پیش‌بینی نیستند (تأیید فرضیه چهارم و رد فرضیه‌های دوم و ششم). در سطح کلان، بالاترین میانگین ارزش‌های دینی (۹/۱۹) متعلق به گروه کشورهای توسعه نیافته است و کمترین مقدار (۵/۴) مربوط به کشورهای توسعه یافته است. این در حالیست که میانگین ایران (۹/۴۴) حتی از میانگین کشورهای با سطح توسعه پایین هم بالاتر است. انتظار می‌رفت که میانگین این مقیاس در ایران به میانگین گروه کشورهای توسعه متوسط (۷/۷۲) نزدیک باشد که چنین نشد (رد فرضیه هشتم). بر اساس مقیاس دینداری کمترین فاصله فرهنگی را با کشورهای توسعه نیافته داریم.

اگر جایگاه ایران را بر اساس این دو مؤلفه در سطح بین - ملتی مورد مقایسه قرار دهیم در می‌یابیم که فرایند نوسازی در ایران بیشتر در حوزه روابط سنتی خانواده تأثیرگذار بوده است به نحوی که ما در مقایسه با گروه کشورهای اسلامی نسبت به روابط خانوادگی نوگراتر بوده‌ایم. اما در حوزه ارزش‌های سنتی در حوزه دین، ماندگاری و پایداری ارزش‌ها در کشور ما بیشتر از حد انتظار بوده است. به بیان دیگر ماندگاری ارزش‌های دینی بیش از ارزش‌های سنتی خانواده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶) فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن، تهران: انتشارات تمدن.
- آزادارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰) مدرنیته ایرانی: روشنفکران ایرانی و پارادایم‌های فکری عقب ماندگی در ایران، تهران: انتشارات اجتماع.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چاپ اول.

تهران: انتشارات کویر.

- بشیریه، حسین (۱۳۷۳) یکسان‌سازی، یکتانگاری، دیالکتیک تاریخی و مسائل توسعه سیاسی در ایران، تهران: فرهنگ توسعه، شماره ۱۷.

- تورن، آلن (۱۳۸۰) نقد مدرنیته، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: گام نو.

- خالقی فر، مجید (۱۳۸۱) "بررسی ارزش‌های مادی و فرا مادی جوانان تحصیلکرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی نشانگان فرهنگی"، تهران: نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳، صص: ۱۵۸-۱۰۷.

- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶) توسعه و تضاد، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه کیهان.

- عزیززاده اقدم، محمدباقر (۱۳۸۰) "عوامل مؤثر بر سوگیری ارزشی دانشجویان"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

- غفاری، غلامرضا با همکاری عادل ابراهیمی لویه (۱۳۸۴) "جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی"، تهران: نشر آگه با همکاری انتشارات لویه.

- Bell, Daniel. (1973) *The Coming of Postindustrial Society*. New York: Basic Books.

- Bell, Daniel. (1976) *The Cultural Contradictions of Capitalism* New York: Basic Books.

- Bradshaw, York W. and Michael Wallace. (1996) *Global Inequalities*. Thousand Oask, CA: Pine Froge.

- DiMaggio, Paul. (1994) "Culture and Economy". Pp. 27-57 in *The Handbook of Economic Sociology*, Edited by N. J. Smelser and R. Swedberg. Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Esmer, Yilmaz (2003) "Is There an Islamic Civilization ". In *Human Values and Social Change*. Ed. Ronald Inglehart. Leiden : Brill Academic Publishers.

- Inglehart, Ronald (1997) *Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies*. Princeton: Princeton University Press.

- Inglehart, Ronald and Wayne E. Baker (2000) "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values". *American Sociological Review* 65 (February): 19-51.
- Inglehart, Ronald and Pippa Norris (2003) *Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change around the World*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Inglehart, Ronald, Miguel Basanez, Jaime Diez-Medrano, Loek Halman and Ruud Luijkx. (2004) *Human Beliefs and Values: A Cross-Cultural Sourcebook Based on the 1999-2002 Values Surveys*. Mexico: Siglo XXI Editors.
- Lerner, Daniel. (1958) *The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East*. New York: Free Press.
- Norris, Pippa and Ronald Inglehart (2004) *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pettersson, Thorleif. (2003) "Individual Values and Global Governance: A comparative Analysis of Orientation towards the United Nations". In *Human Values and Social Change*. Ed. Ronald Inglehart. Leiden: Brill Academic Publishers.
- Spier, Fred. (1996) *The Structure of Big History: From The Big Bang until Today*, Amsterdam, Holland: Amsterdam University Press.
- United Nations Development Program (ed.) Annually. *Human Development Report*, New York: Oxford University Press.
- United Nations (2000) *Human Development Report 2000*. New York: Oxford University Press
- United Nations (2001) *Human Development Report 2001*. New York: Oxford University Press
- United Nations (2002) *Human Development Report 2002*. New York: Oxford University Press
- Weiner, Myron, ed. (1966) *Modernization: The Dynamics of Growth*. New York: Basic.